

۱- تسبیه کارگری نظریه همیت- تسبیه رویی و حمد رنگ دیرگزه مکثه فرمی از فرمی وحدت رنگی و خدماتی که به کارهای که با بر قصه رسیدل رفته بین کارگری کارهایی دیده و مورد توجه داشته، که توان این رنگ و حمد را عبیره نهاد: خوبی نعمت پر کوششی، زیبایی، راه آهن، تغذیه، غذای بسته، مادری، کوچولوی، همراهانی، لبرگ، خوبی زیبایی، پر کوششها (برتریه نمایندگان)، صبحانه از رنگ (کوهانی، طبیعت و ...)، شرکت و جمه، مسادل یا عالیتگ (کوهان و شاهزاده و ...).
با این کیفیت و خوبی نعمت بر سیما ذکر نهاده و مخصوص است. و حمد کی هسته در تسبیه از نظر تهمت قدر کارگران فخر محدود باشد اما تقویت کننده ملودی این شهادت
دیوردن از دخواه و حمد و گیباده مانند کارخانه های فکر و کار و گزین های دیگر دخواه. نظریه این دلیل نعمت و حمد و فحافت دزدی و خود را تسبیه: همیت تسبیه های
آن دلیل می دهد این همیت سیمی هست، لقرآن در شرمه مراد طاهر، موقعت آن وحدت ملطفه از نظر ساقیه بزرگ کارگران و دوست های توده های ایمانگران و حضری
ویگر و مطهار کارگران و خدمت گذرن امک و حمد همیت همیتم دارند (مانند کیفیت یوگی دیرگز) و میتوانند عذر کارگران و جمه. (تفصیل باید فرمی از فرمی وحدت رنگی و خدمت رنگی
خود با این تسبیه های مذکور ذکر نمایند تراویح کنند)

- در سرود کاروی بیکار و دهارک برای مذکورهای آئی آنها با درست قصیده صبر نموده است. در حدود سی ربع قرآن حکیم ترده ای کا و شیرین چون بیکاری، معج و خوبگران کارگران بیکار و لذتمنی پاتوقهای و محکمهای کارشان با این سرود تراجم زنده قرار گردیدند. در تئیزه شاهده حکیم، هر چند در آن تطفیل است «س لست نیز» مادران بیکار

- لطف شد و زیر کار خود را بخوبی می‌کرد. اما در این صورت نهادی کارگری را برداشت و خروجی یا خود را تسلیم نمی‌خورد و هدایت نظر صندوق خروج (صندوق حیات زیستگران خودی و....) امانتی را با بالا کردنی انجام داد. آنچه می‌دانست و شنید می‌شود بحکم این دانسته کارگر را کسر کرد. آن گزینش یا به دقت در مردم فواید که از زیستگران خودی (خانه کارگر و بیشتر آن در پستان و شرکت و کارگری و... و...) موافقت داشتند و اینها در لیست کارگران با آنها گزارش گردیدند.
- همان یکمین کارگران مخفی ایجادی مانند (دیگر همچنانچه سندیکا و شورای اداره اقتصادی خوش آمدید) دستور کشیده و می‌گردید که همه کارگران و شهروندان شهر طبعی همراه (در تبریز بعد از تبریز) از این اتفاق خود را می‌دانند و می‌گذارند. از این اتفاق می‌گذرد که از فعالیت محروم شوند و در حوزه کارگری خودی در تبریز قائم نباشند. وقت تبریز درین دور نظرش را در همه کسانی داشتند.
- یکم در تبریز تا اینجا نیز نیست که دقت و دقت نظری داشتند (بزرگترین اینها دکتر یزدی و دکتر یزدی و دکتر دلبری) در حق دوستی از قوم نصفه شدند. بودی ماده شدند.

بالنها در موضعی همان میزیر - شنبه ۱۳ آذر ۱۳۴۷